

گرامشی و فاشیسم در ایتالیا

سلطه فاشیسم

همیشه تاریخی یکسان داشته

ن. کیانی
(۴)

در ۱۹۲۳، حدود ۵۰۰۰ کمونیست دستگیر شدند و در میان آنان رهبران منطقه‌ای، سندیکایی، شهرداران و اعضای شورای شهر دیده می‌شدند. همه اموال تعاونی‌ها و خانه‌های خلقی که قبلاً ویران شده بودند، مصادره شد. سه هزار کارگر حمل و نقل که مظنون به هواداری از احزاب چپ بودند اخراج شدند؛ جشن اول ماه مه لغو گردید؛ مطبوعات به انقیاد درآمدند و باید خود را با زبان فاشیستی تطبیق می‌دادند.

گرامشی که فرا رسیدن پرده آخر را احساس کرده بود خواهان مقاومت مسلحانه شد و سندیکاها را در برابر این پرسش قرار داد که آیا وظیفه ندارند از پرولتاریا در برابر خطر کودتا دفاع کنند:

"رهبران سندیکاهاى رفرمیست آیا به این اعتقاد دارند که مقابله با يك کودتای نظامی احتمالی وظیفه "کنفدراسیون عمومی کار" است یا اعتقاد ندارند؟ ۳۰ هزار فاشیست، مسلح و سازمان یافته، پایتخت را اشغال کرده‌اند بدون آنکه دولت بتواند با این تهاجم مقابله کند یا لاقلاً این جنایتکاران را هنگام راه پیمایی و قبل از ورود به رم خلع سلاح کند. این از هم اکنون در حد پیش درآمد يك کودتای واقعی و به معنای نقض منشور بنیادین این پادشاهی نیست؟"

گرامشی مسئله "حق مردم به شورش مسلحانه را ... در برابر کودتای ارتجاعی احتمالی مطرح کرد. "از نظر او، حتی پس از "راه پیمایی بر رم"، مردم همچنان می‌توانند به ضد حمله دست زنند. او از ضرورت مبارزه مردمی برضد فاشیست‌ها سخن گفت در صورتی که پاسیفیسم افراطی سندیکاها مانع آن نشود:

"مقاومت مردم رم در برابر تهاجم سی هزار فاشیست مسلح، وسعت اعتصاب عمومی در استان‌های لیگوری و ونتی، اعتصاب تورین برضد دستگاه قضایی که در خدمت رهبران دولتی و زمینداران بزرگ است؛ همه اینها نشان می‌دهد که مردم ایتالیا همچنان می‌توانند، علیرغم همه پیش‌بینی‌های فاجعه آور رفرمیست‌ها، مبارزه کنند. با اینحال، حتی پس از این تظاهرات، رهبران حزب سوسیالیست و کنفدراسیون عمومی کار، همچنان به تاکتیک پاسیفیسم افراطی خود ادامه می‌دهند..."

گرامشی حتی در داخل حزب نیز در اقلیت قرار داشت چرا که در کنگره حزب کمونیست ایتالیا در ۱۴ مارس ۱۹۲۲، برخلاف نظر اکثریت اعضای دفتر سیاسی که در فاشیسم بیماری و اپیدمی گذرایی را می‌دیدند، گرامشی تصریح کرد که این "بزرگترین بحران اجتماعی کشور ما پس از اتحاد آن است." گرامشی از حزب خواست که نیروهای خلقی را برای مبارزه بسیج کند. در آخرین فراخوان خود چند ماه پیش از آنکه رم را به مقصد مسکو برای شرکت در کارهای انترناسیونال ترک کند، او تأکید کرد:

"امروز، همه چیز بسود مبارزه عمومی گرایش دارد: تجربه گذشته و واقعیت اکنون، اراده توده‌ها و شرایط زندگی که طبقه کارفرماها می‌خواهند توده را به آن سقوط دهند. نفهمیدن

این، یعنی همچنان در برابر وحدت نیروهای مردم ایستادن، و با دادن وعده‌های پوچ مانع از وحدت مردم شدن. این چنان خطایی است که مکافات آن را در تاریخ باید با وجود خود داد."

گرامشی از مسکو به وین رفت و از آنجا دفتر سیاسی جدید حزب کمونیست ایتالیا را رهبری می‌کرد زیرا بسیاری از کادرهای حزب دستگیر شده بودند. مرحله سیاسی تازه‌ای در زندگی گرامشی آغاز شده بود؛ مرحله‌ای که در آن پس از شکست چپ‌روی کودکانه و جزم‌گرایی جناح چپ‌رو حزب به رهبری "بوردیگا"، گرامشی رهبر تمام عیار حزب شناخته شده بود. گرامشی نشان می‌دهد که چگونه خرده بورژوازی در برابر بورژوازی رو به ضعف، سلسله مراتب فاشیسم را در کلیه سطوح می‌پذیرد و در آن ایدئولوژی خود را می‌بیند:

"موسولینی پایه قدرت خود را بر روی لایه‌های عمیق این خرده بورژوازی قرار داده است که چون هیچ کارکرد تولیدی ندارند از آنتاگونیسم‌ها و تضادهای سرمایه‌داری بی‌خبرند و تصور می‌کنند که مبارزه طبقات اختراع ایدئولوژیک سوسیالیست‌ها و کمونیست‌هاست. تمام ساختار "سلسله مراتبی" و هیرارشیک فاشیسم وابسته به این روحیه خرده بورژوایی است: از اینجا مفهوم یک جامعه مدرن مرکب از صنوف کوچک زاده شده است که تحت کنترل "نخبگان" فاشیسم قرار دارد و ما در آن همه پیشداوری‌ها و همه بوالهوسی‌های تخیلی ایدئولوژی خرده بورژوایی را می‌بینیم." (مکاتبات بین‌الملی، ۳ ژانویه ۱۹۲۴)

در جریان انتخابات پارلمانی ۱۷ آوریل ۱۹۲۴ گرامشی به نمایندگی مجلس انتخاب شد. اما نتایج انتخابات مصیبت بار بود. "بدین شکل، نتیجه آرا موسولینی را در داخل و خارج تقویت کرد. ... او از ۷,۶۰۰,۰۰۰ مجموع آرا ۴,۶۰۰,۰۰۰ رای و ۴۰۰ کرسی از ۵۳۶ کرسی را بدست آورد. اما معلوم شد مقاومت و مبارزه جویی طبقه کارگر از آنچه پیش‌بینی می‌شد بیشتر است ... سه حزب پرولتاری در مجموع ۱,۱۲۰,۰۰۰ رای بدست آوردند (رفرمیست‌ها ۴۷۰,۰۰۰، ماکسیمالیست‌ها یا حداکثرطلبان ۳۴۰,۰۰۰ و کمونیست‌ها ۳۱۰,۰۰۰)" علیرغم این ابراز خشنودی زیاده از حد حوشبینانه گرامشی و ارزیابی مثبت او از این که شمار نمایندگان حزب کمونیست از ۱۳ به ۱۸ افزایش یافته است، حقیقت این است که شمار نمایندگان سه حزب چپ بر روی هم از ۱۴۲ به ۶۲ کاهش یافت. گرامشی این شکست را ناشی از پیوستن وسیع خرده بورژوازی به فاشیسم و "تلاشی توده دهقانی" می‌داند که سنتی خود، یعنی "حزب مردم" را ترک کردند و به فاشیسم پیوستند. کرسی‌های "حزب مردم" از ۱۰۶ به ۳۶ سقوط کرد (...). در روستاها فاشیست‌ها ۱۰۰ درصد و گاه بیشتر رای آوردند چرا که اموات و مهاجرین هم "رای" دادند.

همانطور که گرامشی پیش‌بینی کرده بود "مسئله جنوب" با همه جنبه‌های خطرناک آن ظاهر شد: "بورژوازی مسئله جنوب را نمی‌تواند حل کند جز با روش فساد و آهن و آتش. یا پرولتاریا از طریق حزب سیاسی خود خواهد توانست یک سیستم ائتلاف در جنوب بوجود آورد یا اینکه توده دهقان در آغوش خرده بورژوازی رها خواهند شد."

گرامشی در گزارش ۱۴ اوت ۱۹۲۴ کمیته مرکزی حزب کمونیست تاکید می‌کند که "مجلس موجود خصلت مجلس موسسان فاشیست را خواهد گرفت و آزادی‌های دمکراتیک را ملغی خواهد کرد". او ضمناً برخی جنبه‌های تعریف خود از فاشیسم را غنی می‌کند: "وجه مشخصه فاشیسم در این واقعیت قرار دارد که موفق می‌شود یک سازمان توده‌ای خرده بورژوا بوجود آورد. این نخستین باری است که چنین حادثه‌ای در تاریخ اتفاق می‌افتد. جنبه نوین فاشیسم در آن است که توانسته یک شکل مناسب سازمانی برای طبقه‌ای پیدا کند که همواره ناتوان از داشتن یک عنصر پیوند دهنده و ایدئولوژی متحدکننده بوده است: این شکل سازمانی عبارتست از ارتش در صحنه نبرد."

پس از راهپیمایی فاشیست‌ها بر رم، دولت مضحک "فاکتا" - رییس وقت شورای وزیران - وحشت زده شتاب داشت که قدرت را هر چه سریعتر با رضایت شاه به موسولینی واگذار کند. برخی از لیبرال‌ها همراه با "جوانی آمندولا" مقاومت کم اثری کردند و پارلمان را ترک گفته و بعدها در ۱۹۲۴ گروه "آوانتینو" را پایه گذاشتند. موسولینی که از ۱۹۲۰ بدینسو نامزد بورژوازی برای قدرت مطلق بود به رم آمد. در واقع او روز ۲۹ اکتبر ۱۹۲۲ با قطار وارد شد و در هنگام ترک میلان به رییس ایستگاه این سخنان مضحک تاریخی را گفت: "من راس ساعت حرکت می‌کنم و از این پس همه چیز در ایتالیا باید راس ساعت حرکت کند." این شعار نیست که امروز هم نئوفاشیست‌ها در جریان اعتصاب‌ها و مبارزات مردمی تکرار می‌کنند و سخنان مسخره موسولینی را تکرار می‌کنند.

روز ۳۱ اکتبر، موسولینی نخستین دولت خود را تشکیل می‌دهد. او به پارلمان اعلام کرد: "من از اینکه بیشتر بخواهم صرفنظر کردم. من می‌توانستم این پارلمان کور و بی‌خاصیت را به پادگان قشونم تبدیل کنم ... اما این کار را نکردم." دولت موسولینی در پارلمان اکثریت مطلق بدست آورد.

در ۱۹۲۳، حدود ۵۰۰۰ کمونیست دستگیر شدند و در میان آنان رهبران منطقه‌ای، سندیکایی، شهرداران و اعضای شورای شهر دیده می‌شدند. همه اموال تعاونی‌ها و خانه‌های خلقی که قبلاً ویران شده بودند، مصادره شد. سه هزار کارگر حمل و نقل که مظنون به هواداری از احزاب چپ بودند اخراج شدند؛ جشن اول ماه مه لغو گردید؛ مطبوعات به انقیاد در آمدند و باید خود را با زبان فاشیستی تطبیق می‌دادند.

"پیرو گوبرتی"، مدیر مجله "انقلاب آزاد" را پیراهن سیاهان در ۱۹۲۳ دستگیر کردند و کشتند. تابستان همان سال، موسولینی سه پسر خود را به نشانه آشتی با کلیسا غسل تعمید داد. پاپ پی یازدهم اعلام کرد "موسولینی تنها کسی است که فهمید لازم است ایتالیا را از هرج و مرج نجات داد." در ۱۰ ژوئن ۱۹۲۴ "ماته ئوتی" نماینده پارلمان توسط عمال موسولینی کشته شد. جسد او که وحشیانه منته شده بود روز ۱۶ اوت در ۲۳ کیلومتری رم کشف شد. فاشیسم پس از این جنایت با مشکلات بسیار مواجه شد. اپوزیسیون پارلمانی خواهان توقف فعالیت پارلمان به علامت اعتراض شد، اما در ۱۹۲۴ قانون مطبوعات به دولت فاشیست حق داد مطبوعات را سانسور و تعطیل کند.

از این پس دیگر کسی بر نتیجه تحقیق و تفحص مجلس برای یافتن قاتلان "ماته ئوتی" وقعی نمی‌گذاشت. ۳ ژانویه ۱۹۲۵ موسولینی مجلس را به مبارزه طلبی فرا خواند و گفت: "اگر فاشیسم مجمع خلافکاران است، من رئیس این مجمع هستم." او همه نقاب‌هایی را که تا آن زمان بر چهره داشت کنار گذاشت و نوشت:

"من اعلام می‌کنم که خودم به تنهایی مسئولیت سیاسی، اخلاقی، تاریخی هر آنچه پیش آمده را برعهده می‌گیرم. اگر جملات دست و پا شکسته می‌تواند موجب اعدام يك تن باشد پس درفش و طناب را بگوئید حاضر کنند."

موسولینی به مخالفان خود هشدار داد که از سواستفاده از جسد ماته ئوتی دست بردارند و اخطار کرد که "آنها جواب خود را با سرب خواهند گرفت."

گرامشی تنها يك بار در ۱۶ مه ۱۹۲۵ در پارلمان سخن گفت. موسولینی با دقت به این مردی که او را "گوژپشت، معلم اقتصاد و فلسفه و دارای مغزی بی شک قوی" توصیف می‌کرد گوش می‌داد. گرامشی اعلام کرد: "شما نمی‌توانید مانع از پیشروی جنبش انقلابی شوید. ما این را تکرار می‌کنیم تا زمانی که شما از شنیدن آن بالا آورید. جنبش انقلابی فاشیسم را مغلوب خواهد کرد."

در ۲۰ ژوئیه ۱۹۲۵، دستجات فاشیست "جوانی آماندو"، رهبر "آوانتینو" را که به آن اشاره کردیم در محل اقامتش بشدت مضروب کردند در حالی که نیروی انتظامی تماشاچی ایستاده بود. آماندو هشت ماه بعد بر اثر جراحاتش درگذشت.

در ۱۹۲۶ "قانون شرایط فوق العاده" اعلام شد. اپوزیسیون دیگر آزادی بیان نداشت، نمایندگان مجلس بازداشت شدند و پلیس فاشیست در ۸ نوامبر ۱۹۲۶ گرامشی را هنگام خروج از پارلمان بازداشت کرد. گرامشی در "دفترهای زندان" از شجاعت ناخدایی یاد می‌کند که با کشتی‌اش غرق می‌شود و این در واقع نمادی از اراده اوست که می‌خواست تا پایان همراه تراژدی مردم ایتالیا باشد. در ۱۹۲۷ دادگاه ویژه، که فاشیست‌ها برای سرکوب جنایات پرضد حکومت تشکیل داده بودند، گرامشی را با این جمله در دناک و مشهور دادستان کل به زندان محکوم کرد: "باید بمدت بیست سال اجازه نداد که این مغز کار کند." نمی‌توان به این بررسی در مورد گرامشی و فاشیسم خاتمه داد بدون آنکه به اهمیت و فعلیت تزهایی که او در کنگره سوم حزب کمونیست ایتالیا در سال ۱۹۲۶ در شهر لیون طرح کرد اشاره نکرد. در این زمان حزب کمونیست ایتالیا دیگر بطور زیرزمینی فعالیت می‌کرد. تزهایی گرامشی در سند نهایی کنگره زیر عنوان "اوضاع ایتالیا و وظایف حزب کمونیست ایتالیا" مطرح شده اند.

خلاصه‌ای از این تزه‌ها را که به تحلیل فاشیسم مربوط می‌شود در شماره آینده که بخش پایانی این تحقیق است بخوانید.